



دوماهنامه علمی بین‌المللی

۱۲، ۲ (پیاپی ۶۲) خرداد و تیر ۱۴۰۰، صص ۱۵۳ - ۱۸۴

مقاله پژوهشی

خوانش معناشناسانه کارکرد عناصر چهارگانه داستان قرآنی موسی^(ع) و فرعون

فائقه نکیسا^۱، سیدرضا میراحمدی^{۲*}، علی‌اکبر نورسیده^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

چکیده

عناصر چهارگانه در میان اساطیر و باورهای کهن بشر جایگاهی ویژه داشته و آرای فیلسوفان، طبیبان و عارفان زیادی را به خود اختصاص داده است. در ادبیات نیز این عناصر آشکار بوده است. باشلار تخیلات مادی بشر را براساس عناصر آب، آتش، خاک و باد طبقه‌بندی می‌کند و معتقد است برای بازشناسی شاعران اصیل، باید به میزان نزدیکی و دوری آن‌ها از این عناصر توجه کرد. از نظر او اثر هنری پویایی خود را از عمق ارتباط با عناصر چهارگانه می‌گیرد که این عناصر به شکل گسترده و هنری در سوره قصص آشکار است.

مربع معنایی با فشرده کردن فرایند کلامی، نقطه مرکزی و قلب گفتمان را نشانه می‌رود. فرایند پویای کلام را به تصویر می‌کشد و بر ارتباط مقوله‌ای استوار است. هدف این مقاله یافتن تأثیر عناصر چهارگانه بر فرایند تحول معنایی است تا اثر آن‌ها را در لایه انتزاعی و پنهان متن کشف کند. بدین ترتیب، نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند با استفاده از رویکرد مربع - معناشناسی گرمس و نظرات باشلار کارکرد این عناصر طبیعی را در سوره قصص با محوریت داستان حضرت موسی^(ع) و فرعون بررسی کنند و تضادهای موجود در محور حرکتی دو کنشگر اصلی داستان را براساس مربع - معناشناسی گرمس تحلیل کنند.

نتایج مقاله نشان می‌دهد، عناصر چهارگانه، همگونی زیادی با جامعه هدف نبوت حضرت موسی^(ع) (جامعه مصر) دارند. آب، آغازگر نجات‌بخشی بشر است. آتش، نشانه تغییر و تولدی دوباره است. بسامد عنصر خاک پررنگ‌تر از بقیه عناصر است. همچنین، در محور معنایی رسالت و هدایت، عناصر چهارگانه محور ارتباطی تقابل تناقضی را شکل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: عناصر چهارگانه، مربع - معناشناسی، گاستون باشلار، سورۀ قصص، داستان موسی^(ع) و فرعون.

۱. مقدمه

الگوی نشانه - معناشناسی گرمس به‌منزله ابزاری تحلیلی در زمینه پژوهش‌های زبانی، بر مبنای تقابل‌های دوتایی یا مقوله‌های معنایی استوار است. او معانی انتزاعی متن را در ساختار تقابلی دوگانه قرار داده است و پویایی معانی داستان‌ها را در قالب مربع - معناشناسی^۱ به تصویر می‌کشد. در این ساختار، زوج‌های متقابل، که یکی بار ارزشی مثبت و دیگری بار معنایی منفی دارد، یک شبکه مفهومی پدید می‌آورند و به دنبال آن ارتباط میان لایه‌های ضمنی متن و دستور زیربنایی روایت^۲، تبیین می‌شود. مربع معنایی یکی از ابعاد نشانه - معناشناسی است که فرایند حرکت و پویای کلام را به تصویر می‌کشد و موتور سازنده نظام گفتمانی است.

ساختار معناشناختی گفتمان از دو معنای صوری و ضمنی تشکیل می‌شود. از آنجا که عناصر چهارگانه به تخیل مادی وابسته‌اند و بنا بر نظریه باشلار نیز این عناصر بیانگر مفاهیم ضمنی هستند و تصاویر دوگانه و مبتنی بر تضاد می‌آفرینند، پس می‌توان تقابل عناصر طبیعی داستان موسی و فرعون را با استفاده از تضاد مقوله‌های مربع - معناشناسی در کنار نظریه ادبی باشلار در خصوص عناصر چهارگانه تحلیل کرد. باشلار با توجه به عناصر چهارگانه آب، آتش، خاک و باد به تحلیل تصاویر ادبی می‌پردازد. به عقیده او تصویر ادبی برای رویش به بن‌مایه این عناصر نیازمند است.

پژوهش حاضر پس از بیان تقابل معنایی دلالت‌های عناصر چهارگانه در محور حرکتی موسی^(ع) و فرعون، تقابل‌های ثانویه و فرعی را براساس مربع - معناشناسی تحلیل می‌کند و در پی آن است تا تبیین کند چگونه مؤلفه‌های مربع - معناشناسی، فرایند پویای کلام را به تصویر می‌کشد و در ژرف‌ساخت داستان، ایفای نقش می‌کند. این مقاله سعی دارد با پاسخ به این پرسش‌ها، به هدفی که آورده می‌شود دست یابد.

۱. عناصر چهارگانه در محور حرکت کنشگر قهرمان و ضد کنشگر چه پیامی دارد؟ و ۲.

میزان اثرگذاری عناصر چهارگانه در پیشبرد سیر تحول معنایی داستان به چه صورت است؟ فرض بر آن است که این عناصر در محور کنشگر قهرمان، مفاهیم ایجابی و در محور ضد کنشگر مفاهیم سلبی دارد. این عناصر در سیر تحول معنایی داستان و تعمیق مدلول‌های ضمنی اثرگذار بوده است. این فرض را با روش تحلیلی توصیفی و با رویکرد مربع - معناشناسی گرمس و نظرات باشلار در داستان موسی و فرعون بررسی می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه عناصر چهارگانه و آرای گرمس نشانه - معناشناس فرانسوی، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. تألیفات و مقاله‌های شعیری به‌منزله مرجعی برای پژوهشگران این حوزه است. از میان مقاله‌های زیادی که در این زمینه انجام شده است می‌توان به مواردی که آورده می‌شود اشاره کرد:

در مقاله «تحلیل شعر ققنوس نیما یوشیج با نگرشی به اندیشه‌های گاستون باشلار» (۱۳۹۱)، جواری و همکاران، عنصر آتش نهفته در تصویر ققنوس را بررسی می‌کنند.

نیکدار در مقاله «کارکردهای هنری عناصر چهارگانه در قصاید خاقانی» (۱۳۹۵)، فراوانی و چگونگی به‌کارگیری عناصر را به‌منزله مفهوم و مضمون شعری بررسی می‌کند.

در مقاله «پدیدارشناسی تصویر آتش در اشعار اخوان ثالث، با تکیه بر آرای گاستون باشلار» (۱۳۹۷)، ایران‌زاده و عرش اکمل توأم بودن آتش نیک و شر را در شعر اخوان، بازنمایی امید و ناامیدی می‌دانند.

عباسی و یارمند در مقاله «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه - معناشناختی ماهی سیاه کوچولو» (۱۳۹۰)، پس از بررسی ویژگی روایی داستان ماهی سیاه کوچولو، مشخص می‌کنند چگونه روایت از خود عبور می‌کند تا تکثر روایی ایجاد کند. در مقاله «کارکرد روایی (مربع معنایی) در تابلوهای نماز، مجنون، میثاق خون و حضرت علی اکبر اثر خشایار قاضی‌زاده» (۱۳۹۴)، عباسی در پی چگونگی ظاهر شدن معنا به کمک مربع معنایی در این تابلوهاست.

ثواب و محمودی در مقاله «عبور از مربع معنایی گرماس و صعود با نردبان معنایی» (۱۳۹۴)، اثبات می‌کنند فرایند نردبان معنایی نمودار سیال بودن معانی روایت است و مربع‌ها

کاربردی ثابت و منجمد ندارند.

الگونه در مقاله «توان تحلیلی مربع - نشانه‌شناختی در خوانش شعر» (۱۳۹۵) به این نتیجه می‌رسد که به کمک الگوی مربع - نشانه‌شناختی می‌توان سازمان درونی شعر را تحلیل کرد. افتخار و همکارانش در مقاله «تحلیل زبان تجریدی روزبهان با الگوی مربع - نشانه‌شناسی» (۱۳۹۸)، می‌کوشند با توجه به تبیین خصایص زبان تجریدی روزبهان، به بستری برای فهم تجربه او دست یابند.

اناری و شیخ‌حسینی در مقاله «متناسب‌سازی نظریه مربع - معناشناسی در قرآن کریم» (۱۳۹۴)، رابطه تضاد، تقابل و تناقض بین آیات را بیان می‌کنند و معتقدند این اصطلاحات که در متن کهن مسلمانان وجود داشته است، اساس نظریه را تشکیل می‌دهند.

طاهری‌نیا و قمری در مقاله «نشانه‌شناسی واژه نار (آتش) در قرآن» (۱۳۹۶)، به این نتیجه می‌رسند که آتش سخت‌ترین عذاب خداوند است که گاهی جسم انسان و گاه درونش را می‌سوزاند.

اکبری‌زاده و محمص در مقاله «نشانه - معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی^(ع)» (۱۳۹۶)، ضمن بررسی نظام گفتمانی سوره شعراء، نشان داده‌اند گفتمان هوشمند چگونه به میدان عملیات گفتمان تبدیل می‌شود تا گونه‌های نو در آن تولید شوند.

داودی‌مقدم و همکاران در مقاله «نقش پادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کهف (واکاوی داستان‌های یاران غار و خضر و موسی)» (۱۳۹۶)، نشان می‌دهند پادگفتمان‌ها مخاطبان را یاری می‌کنند که بسیاری از مفاهیم ارزشی منظومه گفتمانی را بیشتر دریابند.

نصیری و امیری در مقاله «تحلیل نشانه - شناختی الگوی تنش در داستان بعثت موسی^(ع)» در سوره طه» (۱۳۹۷)، ویژگی‌های گفته‌پردازی آیات بعثت حضرت موسی^(ع) در سوره طاهها را با رویکرد تنشی، تحلیل می‌کنند.

در مقاله «تحلیل روایت موسی و سامری برپایه نشانه - معناشناسی گفتمانی» (۱۳۹۸)، فلاح و شفیع‌پور نشان می‌دهند که هسته مرکزی این روایت مبتنی بر نظام کنشی و شوشی به‌دنبال اثبات گفتمان هدایت و نفی بت‌پرستی است.

با وجود توجه محققان به حوزه نظریه‌های معناشناسانه، کاربرد نظریه مربع - معناشناسی در متن داستان‌های قرآنی بسیار اندک است. از این رو، ضرورت و اهمیت تحقیق

حاضر نه تنها در بررسی و به‌کارگیری این شیوه در تحلیل داستان‌های قرآنی مهم است، بلکه به دلیل تلفیق این رویکرد زبان‌شناختی با نظریه ادبی فلسفی باشلار نیز مهم است.

۳. مبانی نظری و اصطلاحات کلیدی

گاستون باشلار (۱۸۸۴ - ۱۹۶۲) از جمله فیلسوفانی است که با نگرشی معرفت‌شناختی و پدیدارشناسانه به نقد متون ادبی پرداخت. او معتقد بود عناصر اندکی به خیال‌پردازی‌های انسان بال و پر می‌دهند و بر آن بود هر اثر هنری و شاعرانه، لزوماً تحت تأثیر یکی از عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش است (Bachelard, 1999, p. 3). باشلار بر مبنای همین ذهنیت، به جست‌وجوی مضامین اصلی ادبیات و باز کردن پیوند استوار آن‌ها با ناخودآگاه جمعی پرداخت. بدین ترتیب که چون برای تصاویر ادبی نظامی خاص مرتبط با عناصر چهارگانه در نظر گرفته بود، برخی از آن‌ها را تصاویر پایه یا اصلی^۳ نامید، زیرا تخیل زندگی را بدون آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌دانست. به عبارت دیگر، این تصاویر اصلی هستند به این دلیل که:

وابسته و پیوسته به مواد اصلی و حرکات اساسی بالا رفتن و پایین آمدن هستند و عناصر چهارگانه هوا، خاک و آب و آتش از آغاز تاکنون همیشه نمودار ارزش‌های حیاتی بوده‌اند. از این رو، انواع تخیل در نهایت، قابل تأویل و وابسته به چهار عنصر هستند (باشلار، ۱۳۶۶، ص. ۱۶).

او در مقدمه کتاب *آب و رؤیاهای* به مطالعه‌ای در باب تخیل ماده بعد از نقل‌قول از نویسندگانی باستانی به اسم لسیوس^۴، نتیجه می‌گیرد همچنان که در فلسفه و طب باستان مزاج انسان‌ها بر اساس عناصر چهارگانه دسته‌بندی می‌شده است، می‌توان تصاویر و تخیل افراد صفرآوی، سودایی، بلغمی و دموی را نیز مرتبط با آتش، خاک، آب و باد در نظر گرفت (Bachelard, 1999, p. 4). با این توضیحات هر کدام از این عناصر چهارگانه، که در طبیعت نماینده فعالیت‌های گوناگون مادی هستند، می‌توانند مرتبط با تصاویر عاطفی متعددی در تخیل بشر باشند. برای مثال، آب جاری می‌تواند عنصری زنانه تلقی شود یا آب راکد مفهوم خواب را القا کند (باشلار، ۱۳۶۶، ص. ۳۳). آتش شور و اشتیاق، عشق و خشم و مانند

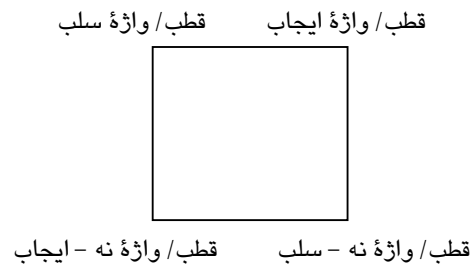
این‌ها را تداعی می‌کند (همان، ص. ۲۳۱). تصاویر مرتبط با پرواز سبکی و به‌طور کلی جنبش و پویایی مرتبط با عناصر هوا هستند، زیرا پویایی تصویر مادی، به‌خصوص در تخیل هوا جلوه‌گر است. عنصر خاک نیز از آنجا که جایگاه رویش گیاهان است، آغازگر حیات جسمانی دانسته می‌شود و مادرانگی، جاذبه و سکون را نمایندگی می‌کند (همان، نقل به اختصار، صص. ۳۱ - ۳۴).

از سوی دیگر، باشلار برای هر تصویر ادبی دو صورت ظاهری و معنایی در نظر می‌گیرد؛ بُعد ظاهری یا بیرونی نمایانگر عالم واقع و خارج است و بُعد درونی و معنایی آن نشان‌دهنده ضمیر باطن انسانی و ادراک وی. او شاعر یا هنرمند را ترکیبی از خرد و تخیل، فکر یا عاطفه و تأمل و بیان تعریف می‌کند (Bachelard, 1971, p. 27).

این نظر باشلار را می‌توان به‌گونه‌ای دیگر در نظام معناشناسی گفتمان نیز دنبال کرد. چنانکه می‌دانیم هر گفتمانی دو ساختار دارد: یکی «ساختار روایتی» که چون با تغییر و گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر همراه است، فرایند پویای کلام خواننده می‌شود و دیگری ساختار معناشناختی^۵. در این ساختار، گفتمان از دو معنای صوری^۶ و ضمنی^۷ تشکیل می‌شود. مبنای صوری بیشتر با مسائل دریاقتی یا حسی - ادراکی مرتبط است، در حالی که معنای ضمنی مسائل ذهنی و مفاهیم را دربر می‌گیرد (شعیری، ۱۳۸۱، صص. ۱۳۲ - ۱۳۳). در نظریه گرمس نیز کلام دارای دو بُعد روبنایی و زیربنایی است و معنا برای اینکه در روستا^۸ ظاهر شود ناگزیر مسیری را از ژرف ساخت^۹ به روستا^{۱۰} طی می‌کند (شعیری، ۱۳۹۵، ص. ۵؛ معین، ۱۳۸۵، ص. ۹۵). او برای نشان دادن سیر شکل‌گیری معنا، مربع - معناشناسی را که باز نمود دیداری از مقوله معناشناختی است، به‌کار می‌برد. این مربع فرایند حرکت و پویای کلام را به تصویر می‌کشد. با ساده ساختن ساختار روبنایی کلام، نقطه مرکزی گفتمان را نشانه می‌رود و موتور سازنده نظام گفتمانی است (شعیری، ۱۳۸۱، صص. ۷ - ۱۲۶؛ عباسی، ۱۳۸۹، ص. ۷۲).

در معناشناسی دو واژه که با یکدیگر در تضاد باشند مقوله خواننده می‌شوند. بنابراین، نخستین گام در شکل‌گیری مربع - معناشناسی داشتن دو متضاد است. به نظر گرمس، در صورتی می‌توان دو واژه را متضاد پنداشت که حضور یکی، عدم حضور دیگری را در پی

داشته باشد (شعیری، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۷). اصطلاح تقابل معنایی، به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی معانی متضاد واژه‌ها به کار می‌رود. مربع - معناسناسی از چهار قطب (واژه) تشکیل شده است که می‌توان آن‌ها را به چهار موقعیت بر روی مربع تشبیه کرد (شکل ۱).



شکل ۱: ساختار مربع - نشانه‌شناسی (با مختصری تغییر برگرفته از الگوه، ص. ۲۷)
Figure 1: Semiotic square structure (with slight modification adapted from Alguneh, 2016, p. 27)

مؤلفه «ایجاب» و «سلب» نشان‌دهنده حضور و دو مؤلفه «نه - ایجاب» و «نه - سلب» بیانگر غیاب هستند. بدین ترتیب، دو مؤلفه نخست، که در قسمت بالایی مربع قرار دارند، گروه متضادها را تشکیل می‌دهند و با منفی کردن هر یک از متضادها، دو مؤلفه پایینی مربع، شکل می‌گیرد که به آن‌ها گروه نقض متضادها گفته می‌شود (شعیری، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۸؛ زیتونی، ۲۰۰۲، ص. ۱۴۸). غیر از این دو گروه، از ارتباط تکمیلی میان این قطب‌ها، گروه دیگری به نام تکمیل‌کننده‌ها به وجود می‌آید. شعیری این ۳ گروه را که حاصل ارتباط چهار قطب مربع - معناسناختی هستند در ۳ دسته موقعیت - ارتباط قرار می‌دهد: الف). ارتباط تقابل تضادی که روی محور متضادها، یعنی دو واژه بالایی مربع وجود دارد، ب). ارتباط تقابل تناقضی که بین یک متضاد و نفی آن ایجاد می‌شود و ج). ارتباط تقابل تکمیلی که بین نفی متضاد و واژه مثبت برقرار می‌شود. براساس این سه ارتباط سه محور متضادها، متناقض‌ها و مکمل‌ها شکل می‌گیرد (شعیری، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۹). برای تبیین این موقعیت‌ها شعیری از دو واژه مرگ و زندگی به منزله دو مقوله متضاد استفاده می‌کند بدان معنا که اعتقاد به حضور یکی منوط به نبود حضور دیگری است. حال اگر هر یک از این مقوله‌ها نفی شود، موقعیت یا رابطه

تناقضی ایجاد می‌شود. مانند زندگی - نه زندگی، مرگ - نه مرگ. همچنین، از آنجا که مقوله زندگی بر وجوب مرگ نیز دلالت دارد، زیرا آنچه که مرگ نیست، زندگی را ایجاب می‌کند و برعکس، موقعیت تقابل تکمیلی نیز خواهیم داشت (همان، کورتز، ۲۰۰۷، ص. ۹۳).

۴. تقابل عناصر چهارگانه در داستان موسی و فرعون

جامعه‌ای که حضرت موسی^(ع) مأموریت هدایت آن را برعهده داشت اختلاف طبقاتی شدیدی داشت و تحت یوغ فرعون به دو دسته تقسیم می‌شد: قبطیان که اطرافیان فرعون و مسبیان ظلم و جور بودند و سبطیان که طبقه ضعیف جامعه بودند و تنها حامی آن‌ها موسی^(ع) بود. داستان موسی^(ع) و فرعون حکایت نبرد بین ظلم و عدل است. حدود نیمی از آیات سوره قصص را داستان موسی و فرعون تشکیل می‌دهد. این آیات تقابل اراده خدا با مستکبران را نشان می‌دهد. مستضعفان را به مبارزه با استکبار تشویق می‌کند و به مسلمانانی که در تنگنا قرار داشتند، نوید پیروزی می‌دهد.

در این بخش، ضمن بیان آیاتی که عناصر چهارگانه در آن‌ها به‌کار رفته، با استفاده از آرای باشلار ابتدا مدلول‌های (محتوا) هر یک از عناصر را به‌صورت جداگانه درمورد کنشگر و ضد کنشگر داستان بررسی و تقابل میان مفاهیم را دوبه‌دو در هر یک از عناصر نشان می‌دهیم. سپس تقابل‌های ثانویه نه - سلب و نه - ایجاب را براساس مربع معنا تحلیل و درنهایت، براساس چگونگی سازمان‌دهی مؤلفه‌ها، انواع ارتباط تقابلی حاصل از مجموع موقعیت‌ها را تبیین می‌کنیم و خلاصه چهار موقعیت و سه نوع ارتباط مربع - معناشناسی را در جدول شماره ۱ نشان می‌دهیم.

۴-۱ عنصر آب

آب در نگاه باشلار، دو خصیصه جان‌بخشی و جان‌ستانی را با هم دارد، یعنی دارای تصویری دوگانه است؛ پیام‌آور مرگ است و مبشر رستاخیز (باشلار، ۱۳۶۶، ص. ۳۴). نقش آب در مراحل زندگی موسی بسیار پراهمیت بوده است. آب نیل ناجی زندگی موسی^(ع) بوده است و مانند گهواره‌ای زندگی‌اش را از مرگ نجات داد. به همین دلیل، واژه موسی در زبان

عبری به معنای از آب کشیده شده است.^{۱۱} تطابق نام حضرت با زندگی پرمزوراز وی ما را در بررسی تأثیر این مایه حیات بر زندگی ایشان، بر می‌انگیزاند.

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْتَمِسْ فِي سِجِّينَ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (۷) در این آیه، اولین مرحله از تحقق وعده الهی که شامل حال موسی^(ع) شده است بیان می‌شود. خداوند به مادر موسی^(ع) امر می‌کند، به او شیر دهد و زمانی که بیمناک شد، بدون ترس و اندوه، فرزندش را به رود نیل بيفکند، زیرا دگربار فرزند به آغوشش باز خواهد گشت. شناخت با بصیرت عنصر آب از سوی مادر موسی^(ع)، او را متقاعد کرد که کودکش را به آب بسپارد. در واقع، ابتدای جریان نبوت موسی^(ع)، که خود نجات‌بخشی عقول بشر است، از آب، که عنصر حیات‌بخش است، آغاز می‌شود. از منظر مربع - معاشناسی نجات یافتن حضرت، نقض مرگ (نه - سلب، ارتباط تقابل تضادی) و حرکت به سوی محور زندگی است (ارتباط تقابل تکمیلی).

﴿فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ (۴۰)

نقضی که در مربع گرمس مطرح است به صورت دلالت جدیدی در شناخت با بصیرت عنصر آب مشاهده می‌شود. دریافت اتفاق مثبت از عناصر طبیعی به خود انسان باز می‌گردد، زیرا مادر موسی از روی بصیرت فرزند خود را به آب سپرد و سبب استمرار حیات او شد، اما به دلیل عدم بصیرت فرعون، اتفاق متناقضی با جریان معمول طبیعت رخ داد و آب جان‌ستان شد، زیرا فرعون بنی‌اسرائیل را شکنجه می‌کرد و نقشه نابودی پیامبر خدا و یارانش را در سرداشت. بدین ترتیب، موسی و قومش به امر الهی شبانه از مصر خارج شدند، هنگام فرار، نیل شکافته شد و آن‌ها به سلامت از آب گذشتند، اما فرعونیان که به دنبال دستگیری بنی‌اسرائیل، پشت‌سرشان بودند، همگی غرق شدند. به‌طور خلاصه، آب در این جریان دو کارکرد متفاوت دارد. از یک سو ناجی مؤمنان و هستی‌بخش است و از سوی دیگر، هستی‌گیر. بنابراین، غرق شدن فرعون، مؤلفه نه - ایجاب (نه - زندگی) را در مربع - معاشناسی ترسیم می‌کند.

۴-۲. عنصر آتش

ذات اسرارآمیز آتش سبب شده است اسطوره‌ها و نمادهای متنوعی در مورد کارکرد آن شکل بگیرد. این نمادها همواره دو قطبی هستند و بسته به زمینه کاربردشان، تصاویر دوگانه و مبتنی بر تضاد می‌آفرینند. در داستان موسی و فرعون آتش نشانه تغییر و تحول و زیربنای تولدی دوباره است، زیرا شروع رسالت موسی که سبب رهایی قوم بنی‌اسرائیل از رنج و عذاب است، با دیدن آتش است.

﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ (۲۹) ﴿فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (۳۰)

«چنانچه آیه ذکر شده اشاره دارد، خداوند هم به صورت شجره‌ای نمادین در برابر دیدگاه موسی^(ع) ظاهر می‌شود و هم به صورت نار» (بلخاری قهی، ۱۳۹۶، ص. ۹۰). مورد استفاده قرار گرفتن آتش برای رساندن شخص برگزیده به مقام پیامبری، به آن مفهوم ماورائی بخشیده است. در این ماجرا خداوند از طریق شعله‌های آتش، نظر موسی را به خود جلب کرد و سپس با او سخن گفت. در ارتباط با انتخاب آتش به منظور واسطه این امر مهم چند دیدگاه می‌توان در نظر آورد:

۱. از نگرش عرفانی آتش، نشانی از نور حقیقی است. انسان با پیوستن به آن و با بهره‌مندی از الطاف خدایی به معرفت درگاه الهی نائل می‌شود (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ص. ۱۵۳).
۲. «مقصود از آتشی که موسی مشاهده کرد روح القدس است» (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج. ۲/ ص. ۱۲۲) و «در این مورد شگفت‌انگیز، نار در جایگاه نور ظاهر شده است» (بلخاری قهی، ۱۳۹۶، ص. ۸۹).

اینکه خداوند به صورت آتش بر موسی^(ع) ظاهر شده و یا اینکه در آتش متجلی شده است، می‌تواند نشان دهد که نور و آتش، جلوه مسقیم خداوند در هستی به‌شمار می‌آیند.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾ (۴۱)

آیه ذکر شده حکایت از عاقبت ضد کنشگر اصلی (فرعون) و همراهان وی دارد. در جریان داستان با ستمگری و نقض بندگی، به قهقرا رسیده و هلاک شدند. تا آنجا که آتش جهنم تنها

دارایی آن‌ها شد. باشلار درباره نیروی دوگانه آتش می‌گوید: «در میان پدیده‌ها تنها آتش است که می‌تواند به وضوح دو ارزش متضاد را در خود بگنجاند: خیر و شر» (باشلار، ۱۳۷۸، ص. ۲۳). وجه خیر و شر آتش، از عمده‌ترین مفاهیم نظریات باشلار است. به عقیده او خواص آتش لبریز از تضادها و تعارضات بسیار است. در واقع، دیالکتیک پاکی و ناپاکی، دو ویژگی اصلی آتش به‌شمار می‌آید (همان، ص. ۲۳۳ - ۲۳۴). در ماجرای حضرت موسی و فرعون نیز هم‌جواری نیروی دوگانه عنصر آتش مشهود است. در مرحله جدید زندگی حضرت موسی^(ع)، نوید نبوت حضرت با عنصر آتش بوده که تجلی‌گر خیر، امید و وحدانیت است. در طول مبارزات موسی^(ع) و فرعون، «ید بیضاء» مظهر نور است که در ادامه پژوهش بدان پرداخته می‌شود. موسی هدایتگری می‌کند و طاغوتیان نمی‌پذیرند. در پایان، سرنوشتشان با آتش پیوند می‌خورد که دوگانگی عنصر آتش و جنبه شر آن آشکار می‌شود. آتش مؤلفه عذاب طغیانگران می‌شود و ضد کنشگران را تا ابد با خود درگیر می‌سازد. از سوی دیگر، آتش مظهر تغییر است. هنگامی که آتش بر موسی^(ع) آشکار شد، موسی^(ع) از انسان عادی به نبی و بشارت‌دهنده تکامل می‌یابد و در نهایت، فرعونیان از انسان‌هایی با مال و مکتب فراوان به انسان‌هایی که دچار عذاب آتش‌اند، تنزل می‌یابند.

وقایع گوناگونی که فرایند تحولی کلام را تشکیل می‌دهند، همیشه یکسان نیستند و نمی‌توان برای آن‌ها مربعی ثابت در نظر گرفت. به دیگر سخن، در هر گفتمان یا در هر زنجیره کلامی، هر یک از این چهار عنصر می‌توانند بار مثبت یا منفی داشته باشند، همان‌گونه که ممکن است از یک عنصر در گفتمانی به‌عنوان عنصری مثبت و مرتبط با ترقی و پیشرفت عامل کلامی بهره‌گیری شده باشد و در گفتمان دیگر عنصری منفی و ضد پیشرفت معرفی شود (شعیری، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۳).

آتش در محور حرکت موسی موقعیت نه - سلب و در سیر تحولی داستان فرعون، موقعیت متضاد و سلبی است.

۴ - ۲ - ۱. آب و آتش در مصر باستان

در اعتقاد مصریان باستان، جهان چیزی جز آب راکد نبود. بر باور آن‌ها عالم را اقیانوسی آغازین فراگرفته و زمین همچون تپه‌ای از آب‌های ساکن و بی‌حرکت آن سر بر آورده است و تأکید داشتند که فرجام الهی عالم نیز با بلعیده شدن زمین از سوی آب‌های سرگردان تحقق خواهد

یافت، از این رو، آغاز و سرانجام زندگی و جهان از دو سوی با آب محدود است. در باور آن‌ها نه تنها زندگی و عالم سر از آب برمی‌آورد، بلکه خدای اصلی و پر قدرتی همچون «آتوم» نیز از آب‌های سرگردان بیرون می‌آید (اباذری و همکاران، ۱۳۷۳، ج. ۲ / صص. ۷۰-۷۲).

در مورد آتش به طور قطع نمی‌توان گفت که مصریان آتش را عبادت می‌کرده‌اند، اما چون ستایش آتش، ادامه ستایش خورشید و مذهب مصریان نیز مبتنی بر عبادت خورشید «رع» بوده است، می‌توان گفت آن‌ها آتش را می‌ستودند و به آن نماز بردند. همچنین، به پاکی و تطهیر آتش عقیده داشتند و آن را با رستاخیز مرتبط می‌دانستند و نقش مهمی در عبادت خدایان و مردگان داشته و گاهی جشن‌های آتش بر پا می‌کردند (فلاحی موحد، ۱۳۸۲، ص. ۴۲).

بنابراین، می‌توان گفت عناصر چهارگانه دخیل در رهایی موسی^(ع) از چنگال فرعون و به نبوت رسیدن وی، همگونی زیادی با جامعه هدف نبوت حضرت موسی^(ع) (جامعه مصر) دارند، زیرا مصریان باستان آغاز و فرجام عالم را به آب مرتبط می‌دانستند و به تقدیس آتش می‌پرداختند. در این داستان نیز عنصر آبی که نجات‌بخش موسی بود، در مورد فرعون و یارانش وجه نقضی را از خود نشان داد و سبب نیستی‌شان شد که با مربع - معناشناسی گرمس همخوانی داشته است و توضیح داده می‌شود. چنانکه در باور مصریان قدیم، تحقق فرجام الهی عالم به وسیله آب بود، پایان زندگی پادشاه مصر نیز با آب رقم خورد. به بیان دیگر عناصر طبیعی دخیل در پیشبرد زندگی حضرت موسی^(ع) و به نبوت رسیدن‌شان، عناصری هستند که نزد مردمان مصر باستان شناخته شده و دارای معنا هستند و کارکرد معنایی‌شان در سوره قصص و داستان موسی نیز، به همان معنا بوده و الفاظ دلالت جدیدی را متحمل نشده‌اند، بلکه همان دلالتی که عنصر آب و آتش در نزد مصریان باستان داشته، همان دلالت‌ها در داستان حضرت موسی^(ع)، نقش آفرینی کرده است و هم‌نشینی معنایی را برای مخاطب به وجود می‌آورند.

۴-۳ عنصر خاک

خاک نخستین ماده آفرینش بشر است. به همه چیز حیات می‌بخشد و هر زنده‌ای به او باز می‌گردد. زمین مادر موجودات است. چون خاک نمادی از باروری است، می‌تواند به منزله رمزی برای استقامت، جاودانگی و باروری به کار رود. زمین جایگاه و گهواره خاک است و

بستری است برای گستره‌ای که نیرو می‌گیرد و نیرو می‌دهد (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷، ص. ۲۱).
 ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (۴). در آیه چهارم، پیش از ورود به بدنه داستان درگیری حضرت موسی (ع) با فرعون، در جمله‌هایی کوتاه، شخصیت ضد قهرمان (فرعون) معرفی و نمایی کلی از درونمایه داستان ارائه می‌شود. «دسته دسته کردن اهل مصر از مصادیق برتری جویی فرعون بر روی زمین بود و علت این اقدام او، جلوگیری از متفق شدن اهل مصر و تضعیف نیروی جمعی آنان بود» (آلوسی، ۱۳۸۵، ج. ۱۰ / ص. ۲۵۳). به استضعاف کشیدن بنی‌اسرائیل از طریق کشتن نوزادان پسر و زنده نگه داشتن دختران، یکی دیگر از مصادیق ستمگری فرعون بود.

در آیات چهارم تا ششم، پس از بیان سرکشی‌های فرعون روی زمین، او را از مفسدان می‌داند و سپس وعده وراثت زمین را به مستضعفان می‌دهد. در واقع این آیات، مقدمه‌ای برای شروع داستان موسی و فرعون است که آیات ابتدایی سوره قصص را به خود اختصاص داده و درصدد نمایش تقابل اراده خدا با اراده مستکبران است.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (۵)
 ﴿وَتُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (۶).

این دو آیه امیدبخش، به صورت قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر بیان شده است تا تصور نشود تنها به مستضعفان بنی‌اسرائیل و حکومت فرعونیان اختصاص دارد، بلکه همه اعصار و اقوام را دربر می‌گیرد. خداوند در این دو آیه از اراده خود در مورد مستضعفان سخن گفته و از نعمت‌هایی که قرار است به آن‌ها بدهد، پرده برداشته است. اولین نعمتی که خداوند وعده‌اش را به بنی‌اسرائیل داده، این است که آن‌ها را پیشوایان و وارثان حکومت جباران قرار خواهد داد. حکومتشان را پابرجا ساخته است و به دشمنانشان آنچه را که از آن بیم داشتند، نشان دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۱۶ / ص. ۱۶).

با توجه به شأن نزول سوره قصص، به نظر می‌رسد آیه پنجم، پیام اصلی و کلیدی سوره مبارکه باشد که بر زمین به منزله مهد خاک تأکید شده است. این آیه اساس کل سوره است و جریان داستان را به شکل اشاره و فشرده بیان می‌کند. طوری که آیه‌های بعدی و ادامه سوره

در جهت تحقق این وعده الهی است.

در این گفتمان زمین به منزله بستر خاک، برای موسی و یارانش بار معنایی مثبت (موقعیت ایجابی^(۱)) و برای فرعون و قوم ستمکار بار معنایی منفی (موقعیت سلبی^(۲)) دارد. عنصر خاک مظهر قدرت و ثروت است که ابتدا در اختیار فرعونیان بوده، اما در سیر تحولی داستان و در عقوبت اعمالشان، مواهبی که در اختیار داشتند را از دست داده است و در مقابل، بنی اسرائیل دارای آن مواهب می‌شوند. تصویر تقابلی این دو گروه نشان می‌دهد که هر دو متناسب با اعمالشان در زمین پاداش داده می‌شوند و یا عقوبت می‌شوند، زیرا زمین مادر هستی و سرچشمه حیات انسانی است.

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لأظنه من الكاذبين﴾ (۳۸) ﴿وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ﴾ (۳۹) ﴿فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانَظَرُ كَيْفَ كَانُ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ (۴۰).

این زنجیره کلامی و طرز بیان شاهانه فرعون روایتگر اوج گستاخی اوست. مردم تحت سلطه فرعون گمراهانی بودند که بی‌چون و چرا مطیع او بودند. بی‌توجهی مردم سبب جسارت بیشتر فرعون شد، تا آنجا که خود را خدای برتر آن‌ها دانست. در نهایت، به وزیرش هامان دستور می‌دهد با آجر برای برجی بلند بسازد که به آسمان برسد و از خدای موسی^(۳) آگاهی یابد.

می‌توان در این زنجیره روایی نیز عناصر طبیعی که مسیر سقوط ضد کنشگر را هموار می‌سازد، بررسی کرد. عبارت «فأوقد علی الطین» که مقصود آجر است، واژه - گروه‌های است که عنصر آتش و خاک را در خود دارد و کارکرد دیگر آتش، یعنی جنبه گرمابخشی آن در آجرپزی را نشان می‌دهد. این آجر با ریختن گل در آتش فراهم می‌شود. برج بلند که نردبان صعود فرعون به آسمان است، مربوط به عنصر هواست. ضد کنشگر با این اعمال، در جهت نقض ثروت و جایگاهش (نه - ایجاب) گام برداشته و نتیجه این باد غرور و سرکشی، غرق شدن او و سربازانش در دریاست.

۴-۴. عنصر باد

همچنانکه باد نامرئی‌ترین عنصر طبیعت به‌شمار می‌آید، در این سوره نیز به‌طور مستقیم از عنصر باد یاد نشده است، اما می‌توان ردپای باد (هوا) را در تعابیر مختلف مشاهده کرد. باد در نجات موسی^(ع) هنگام تولد نقش داشته، بدین شکل که آب صندوقچه موسی^(ع) را به کمک باد به فرعون رسانده است. همچنین، در دو معجزه موسی^(ع) نیز کاربرد این عنصر بارز است.

﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^(۳۰) و ﴿وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ﴾^(۳۱) ﴿اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمُ مِإْتِكَ جُنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾^(۳۲). زنجیره روایی این آیات، پیامبری حضرت موسی^(ع) و معجزاتی را که برای تبلیغ رسالت و همراه کردن مردم با خودش نیاز دارد، به تصویر می‌کشد. درختی که ندادنده است، واژه - گروه‌ای است که علاوه بر عناصر آب، خاک و نور خورشید، عنصر باد را نیز در خود دارد، زیرا باد به‌منزله عنصر جابه‌جاکننده، عامل مهمی در لقاح گیاهان و سرسبزی به‌شمار می‌رود. در معجزه عصای حضرت (چوب آن) نیز همان عناصر دخیلند. وقتی آب و خاک با هم آمیخته می‌شوند، ماده محکمی را به‌وجود می‌آورند که عامل رشد، حرکت و رستاخیز موجودات است. این آمیختگی، عامل زندگی است و سبب قدرت و رویش می‌شود. به تعبیر باشلار (۲۰۰۷، ص. ۱۵۷)، اتحاد آب و خاک، خمیری را به‌وجود می‌آورد که یکی از اساسی‌ترین بنیان‌های ماده هست.

در ید بیضا، معجزه دوم حضرت موسی^(ع)، به‌دلیل نورانیت پیوند با عنصر آتش آشکار است. پس در محور معنایی که سخن از رسالت و هدایت و مقابله با فرمانروایان فاسق است، عناصر چهارگانه طبیعی به‌صورت شگفت‌انگیزی مطرح می‌شوند. این عناصر محور ارتباطی تقابل تناقضی را شکل می‌دهند که نقض و «نه» گفتن به وضعیت فعلی است و در همان حال نقطه آغازین حرکت به‌سمت محور مکمل‌هاست.

جدول ۱: ^{۱۳} مدلول‌های مربع - معناشناسی عناصر چهارگانه در داستان حضرت موسی (ع) و فرعون**Table 1:** Semiotic Square of the four elements in the story of Prophet Moses (pbuh) and Pharaoh

شماره آیه	تقابل دوگانه در عناصر چهارگانه	موقعیت	نوع ارتباط
۷	انداختن نوزاد در آب و عبور موسی و مؤمنان از آب (نجات یافتن)/ زندگی	نه - سلب و ایجاب	تقابل تناقضی و تقابل تکمیلی
۴۰	غرق شدن در آب/ هلاکت	نه - ایجاب	تقابل تناقضی
۲۹ - ۳۰	نور و آتش (پیامبری و نجات)/ زندگی	نه - سلب	تقابل تناقضی
۴۱	زبان‌های آتش (فرجام اعمال)/ مرگ	سلب	تقابل تکمیلی
۵ - ۶	استقرار روی زمین/ زندگی	ایجاب	تقابل تکمیلی
۴ - ۳۹	از دست دادن زمین در نتیجه عصیان/ نابودی	نه - ایجاب	تقابل تناقضی
۳۰ - ۳۱	نقش باد در عصای موسی (نبوت و نجات)/ زندگی	نه - سلب	تقابل تناقضی
۳۸	بالا رفتن از برج بلند و ادعای خدایی/ نیستی	نه - ایجاب	تقابل تناقضی

با توجه به آنچه گذشت، دریافتیم صورت‌های واحد به‌کاررفته در عناصر چهارگانه، مفاهیم و محتواهای دوگانه را به تصویر کشیده‌اند. بدین ترتیب، عناصر در دو قطب مثبت و منفی قرار می‌گیرند و اگر تنها به معنای صوری عناصر بسنده شود، نمی‌توان به وجود تقابل مفهومی و معانی ضمنی آن‌ها پی برد. بر این اساس، تقابل واقعی، میان دال‌ها نیست، بلکه تقابل میان مدلول‌ها و مجموعه‌ای از مفاهیم «سلطنت، قدرت، ثروت، غرور و...» و مفاهیمی چون «فقر، ایمان، صبوری و بندگی» برقرار شده است. تأمل در این مفاهیم، سبب رویارویی دو جهان متفاوت می‌شود.

۵. مربع معنا در سیر تحول معنا

کاربست مؤلفه‌های مربع معنایی در بررسی متون این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان بخش زیادی از مختصات معنایی حاضر در شبکه دلالت را شناسایی کرده و از این راه، فرایند پویای کلام را مطالعه کرد (الگونه، ۱۳۹۵، ص. ۲۸). در قصه موسی و فرعون نیز عناصر چهارگانه که در واقع مؤلفه‌های مربع - معنایی هستند، سیر تحول معنایی داستان را نشان می‌دهند.

عنصر خاک ابژه ارزش‌محوری است که سال‌ها در اختیار فرعونیان بوده است و با تصاحب آن، به قدرت و مکتب بسیاری رسیدند. در آغاز وضعیت گفتمانی، ستمگران رابطه اتصالی^۴ با ابژه دارند، اما در انتها با غیاب ابژه و عبور از وضعیت ایجابی، به وضعیت سلبی رسیده و در حالت انفصالی^۵ با مفعول ارزشی قرار می‌گیرند، اما در مورد قوم موسی، وضع به گونه‌ای دیگر است. نقصان موجود در روایت، ظلم، بی‌عدالتی و نسل‌کشی است. فرعونیان با کشتن فرزندان پسر بنی‌اسرائیل و به کنیزی گرفتن زنانشان، به آزار قوم موسی می‌پرداختند.

برای ایجاد تغییر در وضع ناعادلانه و نجات قوم ستمدیده، خداوند در مقام کنشگزار^{۱۶} وارد عمل می‌شود. فرزند پسری، پنهانی متولد شده است و به آب سپرده می‌شود. عنصر آب، نجات‌بخش عامل فاعلی است. موسی در دامن آسیه همسر فرعون بزرگ می‌شود. عقد قرارداد در گفتمان موسی با ابلاغ رسالت و در جهت رفع ظلم از بنی‌اسرائیل آغاز می‌شود (اکبری‌زاده و محمص، ۱۳۹۶، ص. ۲۹۹). کنشگزار با رسالت دادن به موسی، در جهت رفع نقصان^{۱۷} اقدام دوباره می‌کند. نبوت موسی آمیخته با عنصر آتش و نور، نویددهنده هدایت و گذر از رنج‌ها و تیرگی‌هاست. کنشگر در این مأموریت با دو معجزه عصا و ید بیضا از توانش مادی بهره‌مند می‌شود و از کنشگزار بیانی شیوا، کلامی گویا و همراهی برادرش هارون را، که در سخنوری و اقناع تواناست، درخواست می‌کند و با برخورداری از توانش^{۱۸} شناختی وارد مرحله کنشی^{۱۹} می‌شود و با ضد کنشگر گفت‌وگو می‌کند، او را به دین حق دعوت می‌کند و می‌خواهد که قوم بنی‌اسرائیل را آزاد سازد و از شکنجه آن‌ها دست بردارد، اما فرعون نمی‌پذیرد. معجزات موسی^{۲۰} را به سحر و جادو نسبت می‌دهد و در

جلسه‌ای کنشگر را با ساحران مصر روبه‌رو کرد.

در صحنه مبارزه و آزمون اصلی^{۲۰}، کنشگر عصای خود را انداخت، عصا به اژدهایی تبدیل شد و ريسمان و عصاهای ساحران را که به شکل مار دیده می‌شدند، بلعید. سپس موسی اژدها را گرفت و در دستانش دوباره به عصا تبدیل شد. با دیدن این صحنه ساحران ایمان آوردند، اما فرعون و دربانان نه با دیدن معجزات موسی ایمان آوردند و نه با مژده بهشت و نهیب دوزخ. پس از این شکست بزرگ تصمیم به کشتن موسی گرفتند. کنشگر از وعده راستین خود را به قهرمان داستان و همراهانش محقق ساخت و پاداش صبر و ایمانشان را با عبور دادن آن‌ها از رود نیل و نجات از شر فرعونیان داد، اما نیل قربانگاه زورگویان شد و آتش جهنم عقوبت اعمالشان شد. با توجه به نکته‌های ذکرشده، می‌توان مراحل فرایند تحولی کلام را در شکل شماره ۲ نشان داد:

عقد قرارداد (آغاز رسالت) ← توانش مادی و شناختی (معجزات و همراهی هارون)
← کنش (گفت‌وگو با فرعون) ← ارزیابی^{۲۱} (پیروزی قهرمان)

شکل ۲: نمودار فرایند تحولی کلام

Figure 2: Diagram of the evolutionary process of speech

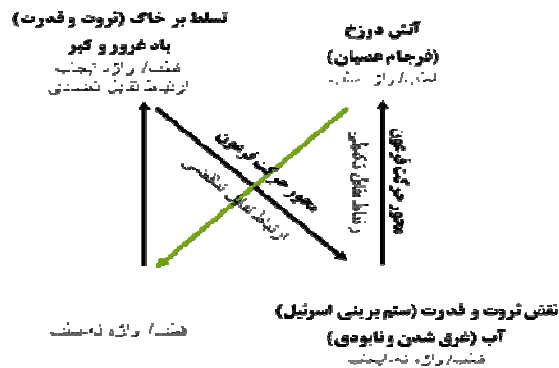
۶. بازآفرینی مفهومی عناصر چهارگانه در طرح‌واره مربع - معناشناسی

پس از بررسی ساختار روینایی گفتمان و بیان سیر تحول معنایی روایت، اکنون با تحلیل معانی ضمنی عناصر چهارگانه، به لایه‌های زیرین داستان می‌رسیم و تأثیر این عناصر طبیعی را در ژرف‌ساخت گفتمان، نشان می‌دهیم.

زمین جای ستم فرعونیان بود. فرعون دستور کشتن فرزندان پسری را داد که در آن سال متولد می‌شدند. مادر موسی^(ع) فرزندش را در صندوقچه‌ای به نیل انداخت. صندوقچه سر از قصر فرعون درآورد. موسی^(ع) بزرگ شد و پس از قتل که اتفاق افتاد، به مدین گریخت. آنجا با دختر شعیب ازدواج کرد و پس از ۱۰ سال، خواست با خانواده‌اش به مصر بازگردد و قومش را از یوغ فرعون نجات دهد. در کوه طور، نوری (عنصر آتش) دید، به سمت

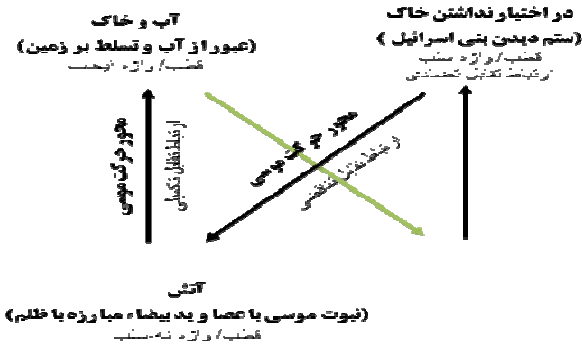
آن رفت و از جانب درخت (واژه - گروهه: آب، هوا، نور و خاک) ندایی (هوا) شنید و با دو معجزه عصا (واژه - گروهه: آب، هوا، نور و خاک) و يد بيضا (عنصر آتش) راهی مصر شد تا هدایتگر مردم باشد. پس از شکست ساحران فشارهای فرعون بیشتر شد. موسی^(ع) بنی اسرائیل را بسیج می‌کند تا شبانه با عبور از صحرای سینا به شام بروند. با شکافته شدن نیل، بار دیگر آب ناجی موسی^(ع) شد، اما برای فرعونیان این‌گونه نبود. فرعون در زمین، خدایی می‌کرد و هر چه بیشتر مردم از او اطاعت می‌کردند، باد کبر و غرورش نیز بیشتر می‌شد. تا آنجا که به وزیر خود، هامان دستور داد با آجر (برافروختن آتش بر خاک) برایش برج بلندی بسازند تا از آن بالا (آسمان، عنصر هوا) رفته و خدای موسی را نابود کند، اما فرعون در برابر معجزات موسی^(ع) شکست خورد و سرانجام در نیل (آب) غرق شد و فرجامش (آتش) دوزخ شد. بنابراین، دو عنصر آب به‌منزله ناجی موسی^(ع) و آتش، آغازگر رسالت موسی^(ع) و نجات قومش، در محور حرکت فرعون، کارکرد دیگری یافت. آب هستی‌گیر فرعون شد و آتش مایه عذاب و کیفر اعمالش. حال می‌توان با استفاده از مربع - معناشناسی، قصه حضرت موسی^(ع) و فرعون را به‌طور کلی و فشرده بررسی کرد و سیر تحول معنایی داستان را در مربع معنا بازگو کرد.

شکل شماره ۲ به‌طور خلاصه، تغییر وضعیت اولیه ضد کنشگر در حالت اتصالی با مفعول ارزشی، به وضعیت ثانویه و انفصالی او را نشان می‌دهد. ابتدای داستان دیدیم که فرعون با در اختیار داشتن قدرت و ثروت، سرکشی می‌کند و باد غرور او را تا ادعای خدایی پیش می‌برد، در واقع، با این اعمال نابجا، به قدرت و سروری خود «نه» می‌گوید و زمینه سقوط خود را فراهم می‌آورد و به هلاکت و عذاب جهنم دچار می‌شود.



شکل ۳: فرایند حرکت فرعون براساس عناصر چهارگانه در مربع - معناشناسی
Figure 3: Pharaoh's process of movement based on the four elements in the semiotic square

براساس مربع - معناشناسی، خاک و آتش بر روی محوری که ذکر شد و مقوله متضادها قرار می‌گیرند. ثروت و قدرت و نقض آن ارتباط تقابلی تناقضی را تشکیل می‌دهند. عنصر آب و آتش، محور مکمل‌ها را می‌سازند و شکل‌دهنده ارتباط تقابلی تکمیلی می‌شوند. مربع دیگری را که می‌توان به‌منزله باز نمود فرایند تحولی این داستان متصور شد، محور حرکت نبی خداست. دقت در زنجیره‌های تشکیل‌دهنده گفتمان حضرت موسی بیانگر روند تحولی داستان است که کنشگر قهرمان و یارانش را از وضعیت ستم‌دیدی، به وضعیت وارثان زمین، تغییر می‌دهد و تصویرگر جریان سیال و پویای کلام است. حضرت موسی^(ع) به‌منزله فاعل اصلی با رسیدن به نبوت و تبلیغ یکتاپرستی، درحقیقت، به ستم و استبداد نه گفته و در جهت نقض ظلم حرکت کرده و درنهایت، با عبور از رود نیل، وارثان زمین شده است.



شکل ۴: فرایند حرکت موسی^(۵) براساس عناصر چهارگانه در مربع - معناشناسی

Figure 4: Moses's process of movement based on the four elements in the semiotic square

۷. نتیجه

کارکردهای اعجازگونه عناصر چهارگانه در قصه موسی و فرعون فراوان است. پس از بررسی تضاد میان عناصر دریاقتیم صورت‌های واحد به‌کار رفته در عناصر چهارگانه، مفاهیم و محتواهای دوگانه را نشان می‌دهند. از این رو، عناصر در دو قطب مثبت و منفی سازمان‌دهی می‌شوند و تأمل در این مفاهیم، سبب رویارویی دو جهان متفاوت می‌شود. ابتدای نبوت موسی که رستاخیز عقول بشر است، با عنصر حیات‌بخش آب آغاز می‌شود. دریافت اتفاق مثبت از عناصر طبیعی به خود انسان باز می‌گردد. بنابراین، درمورد فرعون، آب عنصر حیات‌بخشی تلقی نمی‌شود. درخت در پیوند عمیق با آب، مضامین جاودانگی و نوزایی را به ذهن تداعی می‌کند. در داستان موسی^(۵) و فرعون نور آتش نشانه تولد دوباره بنی‌اسرائیل است و زبانه‌های آن مجازات فرعونیان می‌شود. بدین ترتیب، آتش بازتاب ابعاد دوگانه خیر و شر می‌شود.

با توجه به مفهوم کلیدی داستان که در آیات ابتدایی سوره قصص بیان شده است، به‌نظر می‌رسد بسامد عنصر خاک پررنگ‌تر از بقیه عناصر است. تصویر تقابلی دو جریان مثبت و منفی داستان نشان می‌دهد، هر دو متناسب با اعمالشان در گستره مادر گیتی پاداش یا عقوبت می‌شوند.

در محور معنایی رسالت و هدایت، با آمیزش عناصر چهارگانه طبیعی، محور ارتباطی تقابل تناقضی و حرکت به سمت محور مکمل‌ها، شکل می‌گیرد. بنابراین، فرایند پویای داستان، روایتگر تحولی است که در آن کنشگر قهرمان و یارانش از وضعیت ستمدیدگی، به وضعیت وراثت زمین می‌رسند، اما فرعون که در آغاز داستان رابطه اتصالی با مفعول ارزشی داشته، در انتها با غیاب آن و عبور از وضعیت ایجابی، به وضعیت سلبی رسیده است و در حالت انفصالی با مفعول ارزشی قرار می‌گیرد.

با استفاده از مربع - معناشناسی و عناصر چهارگانه باشلار در تحلیل داستان موسی^(ع) دریافتیم که این عناصر در پیشبرد موقعیت‌های اتصال و انفصال گفتمانی داستان کمکرسان بوده است. به این صورت که دلالت‌های صوری آن‌ها مدلول‌های ضمنی موجود در قصه را تعمیق بخشیده‌اند. در نتیجه، رسانش سیر تحول معنایی به مخاطب نیز موفق‌تر بوده است. در پایان، باید گفت هوشمندی زبانی خاصی در گزینش الفاظ قرآنی از سوی گفته‌پرداز لحاظ شده که القاکننده تصاویر ملموسی برای جامعه مخاطب است. فرو رفتن فرعون و یارانش در آب تصویری شناخته‌شده برای مخاطب مصری است، زیرا در باور او آب پایان‌دهنده و نابودگر این جهان است. بنابراین، نباید از پربار بودن الفاظ در داستان حضرت موسی و همجواری ترکیب‌های زبانی در خلق تصاویر هیجان‌انگیز و مفهومی غافل شد. هم‌زمان که آب، عنصر رهایی است، می‌تواند پایان‌بخش زندگی باشد. درحقیقت، نقض موجود در طبیعت به دستور زبان و گفتمان داستان حضرت موسی^(ع) زیبایی دوچندانی افزوده است، زیرا زیبایی در همجواری تضادهاست.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Semiotic square
2. Narrativity
3. Primary image
4. Lessius
5. Structure semantic
6. Figurative
7. Thematic
8. Surface structure
9. Deep structure

۱۰. نام مبارک حضرت موسی^(ع) ۱۳۶ بار در کلام الله مجید به کار رفته است. موسی لفظ عبری است به معنی از آب گرفته شده. ظاهراً به آن دلیل است که مأموران فرعون او را در بچگی از آب گرفتند (قرشی بنایی، بی تا، ج. ۶/ ص. ۳۰۴).

11. Assertion

12. Negative

۱۳. در ترسیم جدول و بیان برخی توضیحات از مقاله «توان تحلیلی مربع - نشانه شناختی در خوانش شعر» الگوبرداری شده است.

14. Conjunctive

15. Disjunctive

16. Sender

17. Elimination of lack

18. Competence

19. Performance

20. Decisive test

21. Assessment

۹. منابع

- القرآن الکریم
- اباذری، ی، فرهادپور، م، و وهاب، و. (۱۳۷۳). *ادیان جهان باستان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و پژوهشکده.
- ابن عربی، م. ع. (۱۴۲۲ق). *تفسیر ابن عربی*. رباب سمیر مصطفی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اسماعیل پور، ا. (۱۳۷۷). *اسطوره بیان نمادین*. تهران: سروش.
- افتخار، ز، آقا حسینی، ح، و آنگونه جونقانی، م. (۱۳۹۸). تحلیل زبان تجریدی روزبهان با الگوی مربع - نشانه شناسی. *جستارهای زبانی*، ۱۰ (۱)، ۲۲۳ - ۲۴۹.
- اکبری زاده، ف، و محمص، م. (۱۳۹۶). نشانه - معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی^(ع). *جستارهای زبانی*، ۸ (۵)، ۲۹۳ - ۳۱۸.
- اناری بزچلوئی، ا، و شیخ حسینی، ز. (۱۳۹۴). متناسب سازی نظریه مربع - معناشناسی در قرآن کریم. *پژوهش های زبان شناختی قرآن*، ۴ (۲)، ۱۲۱ - ۱۳۶.
- ایران زاده، ن، و عرش اکمل، ش. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی تصویر آتش در اشعار اخوان ثالث با تکیه بر آرای گاستون باشلار. *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۹ (۱۸)، ۳۵۱ - ۳۷۶.

- آلوسی، م. ع. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- باشلار، غ. (۲۰۰۷). *الماء والأحلام دراسة عن الخيال والمادة*. علی نجیب إبراهيم. بیروت: المنظمة العربیة للترجمة.
- باشلار، گ. (۱۹۴۹). *روان کاوی آتش*. ترجمه جلال ستاری، ج. (۱۳۷۸). تهران: توس.
- بلخاری قهی، ح. (۱۳۹۶). *تمايز میان نور و نار در قرآن و عرفان اسلامی و تأثیر آن بر مفهوم و کاربرد رنگ در نگارگری اسلامی - ایرانی*. پژوهشنامه عرفان، ۹ (۱۷)، ۸۷ - ۱۰۵.
- ثواب، ف.، و محمودی، م. ع. (۱۳۹۴). *عبور از مربع معنایی گریماس و صعود با نردبان معنایی*. *نقد ادبی*، ۸ (۳۱)، ۴۱ - ۶۳.
- جواری، م.، دفترچی، ن.، و شهناز خضزلو، ع. (۱۳۹۱). *تحلیل شعر ققنوس نیما یوشیج با نگرش اندیشه‌های گاستون باشلار*. بهارستان سخن.
- داودی مقدم، ف.، شعیری، ح.، و قطبی، ث. (۱۳۹۶). *نقش یادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کھف (واکاوی داستان‌های یاران غار و خضر و موسی)*. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۶ (۱)، ۱ - ۱۶.
- زیتونی، ل. (۲۰۰۲). *معجم مصطلحات نقد الروایة*. بیروت: لبنان ناشرون.
- شعیری، ح. ر. (۱۳۸۱). *مبانی معناشناسی نوین*. تهران: سمت.
- شعیری، ح. م. (۱۳۹۵). *نشانه - معناشناسی ادبیات*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- طاهری‌نیا، ع. ب.، و قمری، ب. (۱۳۹۶). *نشانه‌شناسی واژه نار (آتش) در قرآن*. *مطالعات ادبی متون اسلامی*، ۲ (۱)، ۹ - ۳۴.
- عباسی، ع. (۱۳۸۹). *تحلیل گفتمانی شازده کوچولو*. *زبان و ادبیات تطبیقی*، ۱ (۱)، ۶۵ - ۸۴.
- عباسی، ع. (۱۳۹۴). *کارکرد روایی (مربع معنایی) در تابلوهای نماز، مجنون، میثاق خون و حضرت علی اکبر اثر خشایار قاضی‌زاده*. *دین و ارتباطات*، ۲۲ (۱)، ۱۲۳ - ۱۴۴.
- عباسی، ع.، و یارمند، ه. (۱۳۹۰). *عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه - معناشناختی ماهی سیاه کوچولو*. *زبان و ادبیات تطبیقی*، ۲ (۳)، ۱۴۷ - ۱۷۲.

- فلاح، ا. و شفیع‌پور، س. (۱۳۹۸). تحلیل روایت موسی^(ع) و سامری بر پایه نشانه - معناشناسی گفتمانی. *جستارهای زبانی*، ۱۰ (۱)، ۲۵ - ۵۰.
- فلاحتی موحد، م. (۱۳۸۲). تقدس آتش در ادیان. *اطلاع‌رسانی اخبار ادیان*، ۱ (۶).
- قرشی بنایی، ع. ا. (بی‌تا). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کورتز، ژ. (۲۰۰۷). *مدخل إلى السيميائية السردية والخطابية*. جمال حضری. الجزائر: منشورات الإختلاف.
- گنابادی، س. م. (۱۴۰۸). *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*. بیروت: الاعمى للمطبوعات.
- الگوئه جونقانی، م. (۱۳۹۵). توان تحلیلی مربع - نشانه‌شناختی در خوانش شعر. *نقد ادبی*، ۹ (۳۳)، ۲۱ - ۵۱.
- معین، م. ب. (۱۳۸۵). *نشانه‌شناسی و تبلیغات*. فرهنگستان هنر، ۱ (۱)، ۹۲ - ۱۰۳.
- مکارم شیرازی، ن.، آشتیانی، م.، ر.، امامی، م.، ج.، حسینی، ع. ب.، شجاعی، ح.، عبداللهی، م.، قرائتی، م.، محمدی اشتهاردی، م. م. و طباطبایی‌نژاد، ن. ا. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نصیری، ر. ا. و امیری، م. (۱۳۹۷). تحلیل نشانه‌شناختی الگوی تنش در داستان بعثت موسی^(ع). *جستارهای زبانی*، ۹ (۴)، ۳۳ - ۵۹.
- نیکدار اصل، م. ح. (۱۳۹۵). کارکردهای هنری عناصر چهارگانه در قصاید خاقانی. *کاوش‌نامه*، ۱۷ (۳۲)، ۱۰۳ - ۱۳۸.

References:

- *The Holy Quran*
- Abazari, Y., Farhadpour, M., & Wahab, V. (1994). *Religions of the ancient world*. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research Institute. [In Persian].
- Abbasi, A. (2010). The discourse analysis of Little Prince. *Comparative Language and Literature*, 1 (1), 65-84. [In Persian].

- Abbasi, A. (2015). Narrative function (semantic square) in paintings of Namaz, Majnun, Misagh-e Khun and Hazrat Ali Akbar by Khashayar Ghazizadeh. *Religion and Communication*, 22 (1), 123 - 144. [In Persian].
- Abbasi, A., & Yarmand, H. (1390). The passage from the semiotic square to the tensive square: A semiotic study of the little black fish. *Comparative Language and Literature*, 2 (3), 147 - 172. [In Persian].
- Akbarizadeh, F., & Mohasses, M. (2017). Semiotic analysis of the propaganda discourse of Moses (AS). *Language Related Research*, 8 (5), 293 - 318. [In Persian].
- Alguneh Junqani, M. (2016). The application of semiotic square analytical to reading poetry. *Literary Criticism*, 9 (33), 21 - 51. [In Persian].
- Alusi, M.A. (1415 AH). *The spirit of meanings in the interpretation of the holy Qur'an and the seven proverbs*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic].
- Anari Bezchloui, A., & Sheikh Hosseini, Z. (2015). Adaptation of semiotic square theory in the Holy Quran. *Linguistic Research of the Qur'an*, 4 (2), 121-136. [In Persian].
- Bachelard, G. (1949). *Fire psychoanalysis*. Translated by Jalal Sattari (1378). Tehran: Toos. [In Persian].
- Bachelard, G. (1971). *On poetic Imagination and Reverie*. Colette Gavdin. New York: Bobbs _ Merri.
- Bachelard, G. (1999). *Water and dreams: An essay on the imagination of matter*. Edith R. Farrell. Dallas
- Bashlar, Gh. (2007). *Water and dreams as lesson from imagination and materialism*. Ali Najib Ibrahim. Beirut: Al-Manzemat al-Arabia Le Trajomeh. [In Arabic].
- Bolkhari Ghahi, H. (2017). Distinction between light and pomegranate in Quran and Islamic mysticism and its effect on the concept and application of color in Islamic-Iranian painting. *Mysticism*, 9 (17), 87 - 105. [In Persian].

- Davoodi Moghadam, F., Shairi, H., & Qutbi, S. (2017). The role of counter-discourses in Surah Al-Kahf (analysis of the stories of the Companions of the Cave, Khidr, and Moses). *Linguistic Research of the Qur'an*, 6 (1), 1-16. [In Persian].
- Falahati Movahed, M. (2003). The sanctity of fire in religions. *Religion News Monthly*, 1 (6). [In Persian].
- Fallah, A., & Shafi'pour, S. (2019). Analysis of the narration of Moses (AS) and Samaritan based on semiotics of discourse. *Language Related Research*, 10 (1), 25 – 50. [In Persian].
- Gonabadi, S. M. (1408 AH). *Interpretation of the expression of happiness in the state of worship*. Beirut: Al-alami al-Matbuat. [In Arabic].
- Ibn Arabi, M. A. (1422 AH). *Tafsir-e Ibn Arabi*. Rabab Samir Mustafa. Dar al-Ehyay-e Toras-e Arabi.[In Arabic].
- Iftikhar, Z., Aqa Hosseini, H., & Alguneh Junghani, M. (2019). Analysis of Rouzbahan abstract language with semiotic square model. *Language Related Research*, 10 (1), 223-249. [In Persian].
- Iranzadeh, N., & Arsh Akmal, Sh. (2018). Phenomenology of the fire image in the poems of Akhavan Sales based on the views of Gaston Bachelard. *Linguistic and Rhetorical Studies*, 9 (18), 351 - 376. [In Persian].
- Ismailpour, A. (1998). *The Myth of Symbolic Expression*. Tehran: Soroush. [In Persian].
- Javari, M., Daftarchi, N., & Shahnaz Khezrlou, A. (2012). *The analysis of Nima Yushij's poems with a view of Gaston Bachelard's ideas*. Baharestan Sokhan. [In Persian].
- Kurtz, J. (2007). *Introduction to narrative discourse and semiotics*. Jamal Hazri. Algeria: Manshurat-e al-Ekhtelaf [In Arabic].
- Makarem Shirazi, N., Ashtiani, M.R., Emami, M.J., Hassani, A.B., Shojaei, H., Abdullahi, M., Qaraati, M., Mohammadi Eshtehardi, M.M., & Tabatabai-Nejad, N.A. (1992). *Tafsir Nemuneh*. Tehran: Islamic Library. [In Persian].

- Moin, M.B. (2006). Semiotics and advertising. *Academy of Arts* (1), 92 - 103 [In Persian].
- Nasiri, R. A., & Amiri, M. (2018). Semiotic analysis of the tension model in the story of Moses Besat (pbuh). *Language Related Research*, 9 (4), 33-59. [In Persian].
- Nikdarasl, M.H. (2016). The artistic functions of the four elements in Khaghani's poems. *Kavosh Nameh*, 17 (32), 103-138. [In Persian].
- Poetry, H. M. (2016). *Semiotic - semantics in literature*. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian].
- Qarashi Banaei, A.A. (n.d.). *Quran Dictionary*. Tehran: Islamic Library. [In Persian].
- Shaeiri, H. R. (2002). *Fundamentals of Modern Semantics*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Taherunia, A.B., & Qamari, B. (2017). The semiotics of the word Nar (fire) in the Qur'an. *Literary Studies of Islamic Texts*, 2 (1), 9 - 34. [In Persian].
- Thawab, F., & Mahmoudi, M. A. (2015). Going beyond the Greimas' semiotic square and climbing the semantic ladder. *Literary Criticism*, 8 (31), 41 - 63. [In Persian].
- Zeituni, L. (2002). *Dictionary of narrative criticism*. Beirut: Lebanon Nasherun. [In Arabic].